روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۶ مهر ۱۳۹۷ • ۲۸ محرم ۱۴۴۰ • ۸ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۶۲ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۷ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

سیل و زلزله که هیچی!

● **پوریا عالمی:** الان همه خیال می‌کنند اگر FATF تصویب بشود یا نشود یا تحریم‌ها برداشته بشود یا نشود یا مدیران مسئولیت‌پذیر بشوند یا نشوند یا مسئولان مدیریت یاد بگیرند یا نگیرند یا شایسته‌سالاری بشود یا نشود یا ظرفیت‌ها و منابع کشور درست استفاده بشود یا نشود، مشکلات مملکت حل می‌شود، اما ما معتقدیم نچ. قضیه ریشه‌ای‌تر از این حرف‌هاست.ببینید ما یک اداره هواشناسی و سازمان زلزله‌نگاری داریم که یک نمونه کوچک هستند.چطوری؟ دو روز پیش در شمال کشور سیل آمد. بعد اداره هواشناسی که یک سمت بامزه‌ای هم دارد به اسم «مدیرکل پیش‌بینی و هشدارسریع سازمان هواشناسی»، یک روز بعد از آمدن سیل گفت: «بارش باران در نوار شمالی کشور به شکل ضعیف‌تری ادامه می‌یابد».یا به قول دکتر باقر ملائک، استاد دانشگاه شریف، یک دلیل که هواپیما سقوط کرد این بود که - شوخی و جدی - اداره هواشناسی ساعت هفت صبح درش را باز می‌کند، اما هواپیماها ساعت پنج صبح پرواز می‌کنند و به خلبان می‌گویند برو توی راه بهت خبر می‌دهیم وضعیت هوا چطوری است!حالا شاید شما بگویید سیل که شمال کشور بوده و سقوط هواپیما هم جنوب کشور بوده و راه طولانی بوده! اما اوضاع در پایتخت هم بهتر از این حرف‌ها نیست. تهران زلزله آمد، چندساعت بعد از زلزله، سازمان زلزله‌نگاری اعلام کرد: زلزله آمد!می‌بینید؟ اداره هواشناسی انگار اگر نگوید دیروز سیل آمد، سیل واقعا دیروز نمی‌آمد و سازمان زلزله‌شناسی فکر می‌کند اگر دوساعت بعد از زلزله اعلام نکند دوساعت پیش زلزله آمد، زلزله دوساعت پیش یک قر ریزی می‌دهد و می‌رود پی کارش.در جامعه و اقتصاد و سیاست ما هم همین است. الان جامعه دچار چالش شده، بعد تازه مسئولان می‌آیند تلویزیون و می‌گویند ما رنگ جدول خیابان‌ها را می‌خواهیم در دو سال آینده عوض کنیم که نشاط به جامعه برگردد! یا مسئولان اقتصادی می‌گویند تورم و گرانی و دلار رفت بالا! خب دانشمند عزیز! این را مردم یک هفته زودتر از تو می‌دانند. تو بگو آن دانشمندی که فرمان اقتصاد را در دست دارد و هی اشتباه می‌چرخاند کیست؟می‌بینید. با این اوصاف سیل و زلزله که هیچی، هروقت ما توانستیم تأثیر قطع‌بودن آب را در مدیریت پیش‌بینی کنیم، آن‌وقت باید نگران چیزهای دیگر باشیم.

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... تنها کسی که دارد درست کار می‌کند زنبور عسل است که می‌داند آب قطع است، اما عملکرد شیرینی دارد.

عاشق شیرین تو؛ میدون دوم.

کارتون خواب

کریستین مارکو

آکادمی

رسانه وزیر

بابک زمانی

رئیس انجمن سکته مغزی

بار دیگر و در عرض چند روز بیانات جناب وزیر تیتر اول خبرها شد؛ اول موضوع فیزیوتراپی و دوم موضوع اقتصاد سلامت. البته فضای مجازی، لجام‌گسیخته و محل اظهارنظرهای پرتعداد، با دور تند و بدون توجه به واقعیت مسائل، افکار عمومی را مستعد مهندسی و خمیر کاردستی می‌کند، اما در این ارتباط به نکات دیگری نیز باید اشاره کرد. واقعیت آن است که وزیر، سوای هر رسانه عمومی دیگر و سوای تمام تشکیلات زیر دستش، خود به‌تنهایی یک رسانه است و شاید مهم‌ترین نقش وزیر هم همین وظیفه رسانه‌بودنش باشد. گفتمان وزیر نشانه نوع خاصی از نگرش به مسائل و رفتار او ارائه نوعی مدل رفتاری در مواجهه با مشکلات است، بنابراین هر کلمه تأثیری بلافصل و شگرف بر نظام سلامت کشور خواهد گذاشت. اخیرا برای یک بیماری بسیار نادر عصبی که باعث فلج اندام‌ها می‌شود، دارویی به تأیید رسیده که قیمت آن نزدیک به یک میلیون دلار است، سالانه و مادام‌العمر. این دارو تنها سیر بیماری را کندتر و علائم را بهتر می‌کند. همین هم در این بیماری به معجزه شبیه است، وزیر جلوی دوربین سراسری در مورد این بیماری مورد سؤال قرار گرفته است.

یک نوع برخورد می‌تواند این باشد که جناب وزیر ابتدا از مطرح‌شدن این سؤال که باعث طرح یک مسئله و چالش ملی است تشکر کند، این پیشرفت تکنولوژی را به کاشفان و به بیماران درگیر تبریک بگوید و سپس از جایگاه یک متخصص مسئول به جامعه اطلاع بدهد که آری دوران تولید داروهای بسیار گران فرارسیده است. تاکنون داروها برگرفته از ذخایر طبیعت و بدون درنظرگرفتن سازوکار اثر و تنها بر اساس اثبات تأثیر ساخته می‌شدند، حالا داروهای جدید بر اساس سازوکار دقیق بیماری‌ها «سنتز» می‌شوند. شناخت ساختار دقیق سلولی داروها و ساخت و مطالعات میدانی روی آنها همگی هزینه‌هایی سرسام‌آور دارند. چالش هزینه این‌گونه داروها محدود به کشور ما هم نیست. هزینه همین داروی مورد بحث در پیشرفته‌ترین کشورها هم همین الان چالش بزرگ و موضوع بحث‌های بسیاری است. همه باید آستین بالا بزنند تا داروهایی را که بیماران لاعلاج سال‌ها با رؤیای آن به خواب می‌رفتند تهیه کنند. نه‌تنها داروی بیماری «پمپ» و «اس‌ام‌ا» که سایر بیماری‌های متعدد عصب و عضله هم ممکن است در آینده، درمانی پیدا کنند. در این رویکرد وزیر در ادامه اطلاع می‌دهد که وزارت تحت مسئولیت ایشان علاوه‌بر بیماران اورژانس و بیماران متعلق به دهک‌های پایین اجتماعی، خود را مسئول مستقیم بیماران ناتوان مزمن هم می‌داند و این موضوعات و این طبقه‌بندی در همین دوره اخیر وزارت ایشان روشن شده است (که واقعا همین‌طور بوده)، اما توجه می‌دهد که مقدم بر این داروها اقدامات مراقبتی و پرخرج زیادی لازم است که نه‌تنها برای بیماری «اس‌ام‌ا» که برای ده‌ها بیماری مشابه، اما پرتعدادتر دیگر هم باید انجام شوند و ما آنها را نداریم. رسانه وزیر، توجه همگان؛ از ارکان قدرت گرفته تا صاحبان ثروت و رسانه را به این موضوعات جلب کرده و درخواست می‌کند سهم بیشتری از بودجه‌های عمومی دولت و منابع مالی نیکوکارانه به این مهم اختصاص یابد. همچنین از هنرمندان و مشاهیر می‌خواهد که در جذب توجهات و منابع مالی مردمی دولت را یاری دهند!

اما برخورد دیگر می‌تواند چنین پیش برود که ما منابع کافی نداریم برای بیمارانی که تنها یکی، دو سال زنده می‌مانند صرف کنیم و درعین‌حال نشان دهد که انگار از پیداشدن داروهای گران‌قیمت که کار روی دست وزارت او می‌گذارد چندان خوشحال نیست و گویی آرزو می‌کند چنین داروهایی کشف نمی‌شد تا دردسر بیشتری نداشته باشد یا معلوم هم نیست تا چه حد توطئه شرکت‌هاست! مردم و رسانه‌ها هم اگر حرفی دارند اول بروند به بیمه‌ها و دولت بگویند معوقات ما را بدهند تا بعد ببینیم کاری می‌شود کرد یا خیر؟

برخورد اول، برخورد یک رسانه است؛ رسانه‌ای که توسط کارشناسانی اداره می‌شود که همه مطالب را زیر نظر دارند و تک‌تک کلمات سخنگوی رسانه، «وزیر»، را از مدت‌ها پیش مهندسی و آماده کرده‌اند.

برخورد دوم اظهارنظر یک نفر انسان است که خسته از کارهای متعدد و دشوار روزانه و چارچوب‌ها و دشواری‌های متعددی که از ید اختیار او خارج و ایفای وظایف او را محدود می‌کنند و خسته از کامنت‌ها و گفته‌های تند و جوراجور در فضای واقعی و مجازی، تنها چند لحظه به موضوع سؤال اندیشیده و مطالبی را به‌زعم خود بر زبان آورده است. برخورد اول همه تلاش‌ها و امکانات عمومی را معطوف به تهیه امکانات در درمان آن بیماری می‌کند و حتی به این بهانه درخواست‌های بیشتری مطرح می‌کند. برخورد دوم همه تلاش‌ها را معطوف به حمله به خودش می‌کند و به‌علاوه امکان می‌دهد که برخی تنها بر اساس چند جمله، نسبت‌هایی غیرانسانی ببینند، برجسته کنند و دشنام بدهند؛ حال آنکه این نسبت‌ها را باید تنها بر اساس رفتار داد. برخورد اول نه‌تنها باعث امیدواری بیماران می‌شود، بلکه تلاش‌های پزشکان و مسئولان درمان وزارتخانه را که در همین دوره وزارت ایشان گام‌هایی اساسی در سه وظیفه مهم برشمرده برداشته‌اند اعتبار می‌بخشد، اما برخورد دوم حتی امکان دفاع از رسانه وزیر و دفاع از طبقه‌بندی خدمات دولتی را هم نمی‌دهد.

آری شخص وزیر یک رسانه است. حداقل همین یک مورد این موضوع را ثابت می‌کند که مشکل اصلی وزارتخانه ما هم کلمات وزیر نیست، هر فردی در شرایط ایشان ممکن است به زعم خود مطالبی را به زبان آورد. مشکل اساسی عدم برنامه‌ریزی مناسب برای ساختار رسانه وزیر است!

نگاه سبز

اتحاد علیه شخم‌زدن‌های ترامپ

محمد درویش

دولت ترامپ می‌کوشد تا پیش از پایان دوره چهارساله ریاست‌جمهوری، تمامی قوانین مصوب محیط‌زیستی در دولت هشت‌ساله اوباما را باطل کند! بروس باک‌هایت که تحت حکومت هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در بخش اجرائی آژانس حفاظت از محیط زیست کار می‌کرده، به خبرنگار گاردین می‌گوید: نخستین سال ریاست‌جمهوری ترامپ تنها شامل «مقداری اطلاعیه‌های مطبوعاتی» بود، اما «ما در حال رسیدن به نقطه‌ای هستیم که آنها دارند وارد عمل می‌شوند! برنامه زمانی که آنها با عجله در جهت آن حرکت می‌کنند، تلاش در راه رساندن تغییرات به نقطه‌ای است که روند رسیدگی قضائی به آنها تا پیش از به‌پایان‌رسیدن ریاست‌جمهوری ترامپ انجام شده باشد». پروفسور شیلا اُلمستد، از دانشگاه تگزاس در آستین که در اواخر دوران ریاست‌جمهوری اوباما و اوایل ریاست‌جمهوری ترامپ، مشاور ارشد شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور در امور انرژی و محیط زیست بود، می‌گوید: کاخ سفید با زاویه ۱۸۰ درجه در جهت برگرداندن فرمان‌های اجرائی اوباما در حال شخم‌زدن همه چیز است! مقامات رسمی دولت ترامپ در حال تضعیف قانونی هستند که استحصال نیروی برق از زغال سنگ را به دلیل تبعات محیط‌زیستی آن دشوار کرده بود. همچنین دولت ترامپ درصدد است تا مجوز خودروهایی که سوخت کمتر مصرف می‌کنند و آلودگی کمتری را به دنبال دارند، متوقف و محدودیت‌ها را برای انتشار گاز پرتأثیر متان ناشی از صنعت نفت قطع کند. آنها تلاش برای دادن صلاحیت به دولت فدرال برای کنترل بیشتر آب‌ها را باطل کرده و می‌کوشند دانشی را که نشان‌دهنده ابتلا به بیماری توسط برخی از آفت‌کش‌هاست، رد کنند. آلن کراپنیک عضو ارشد یک سازمان محیط‌زیستی با تمرکز اقتصادی، می‌گوید: «آنها می‌توانند بگویند که ما می‌خواهیم تا اندازه‌ای که ممکن است قوانین را دور بریزیم تا اگر یک دموکرات در سال ۲۰۲۰ برنده شد، زمان زیادی برای بازگرداندن قوانین لازم باشد». جف هولمستد، یک شریک از دفتر وکلای بریس‌ول که در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش مسئول دفتر هوا در آژانس حفاظت از محیط زیست بود، عقیده دارد که قوانین ترامپ ممکن است در حالت معلق بمانند، اما کابینه او تلاش دارد تا تغییرات دوام بیاورند. ریشه برگردان قوانین از جانب دستگاه ترامپ یک مخالفت ایدئولوژیکی بنیادی درمورد چگونگی حساب و کتاب هزینه‌ها و مزایای تندرستی این قوانین است. در این میان، فعالان محیط‌زیستی عقیده دارند که دولت دارد فرامین کمپانی‌های سوخت فسیلی را اجرا می‌کند. بسیاری از مقامات رسمی دولت ترامپ تغییرات اقلیم ساخته دست انسان را باور ندارند، با آنکه ارزیابی آژانس حفاظت از محیط زیست امکان افزایش دما را تا چهار درجه سانتی‌گراد تا سال ۲۱۰۰ به رسمیت می‌شناسد. دولت آمریکا همچنین می‌خواهد مزایایی را که تنها برای ایالات متحده در نتیجه کاهش تغییرات اقلیم وجود دارد، درنظر بگیرد، بدون اعتنا به مزایا برای دیگر نقاط دنیا که به مراتب آسیب‌پذیرترند، از جمله جزایری که با بالاآمدن سریع سطح دریاها روبه‌رو هستند. دیوید دانیگر، مدیر بخش اقلیم از شورای دفاعی منابع طبیعی می‌گوید: برگرداندن قوانین از جانب کابینه ترامپ یک تاکتیک برای تأخیراندازی است. «از برخی جهات آنها مثل یک ارتش در حال عقب‌نشینی هستند اما حین عقب‌نشینی خطوط آهن را نابود می‌کنند! آنها نمی‌توانند فکر کنند که در این راه پیروز می‌شوند، به این معنا که بتوانند به‌طور دائم نیاز مقابله با تغییرات اقلیم را به تعویق اندازند».

خواننده عزیز روزنامه «شرق»!

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، خشم دونالد ترامپ و دولت طبیعت‌ستیز وی از تصویب قوانین محیط‌زیستی در دولت اوباما به حدی است که تمامیت پایداری کره زمین می‌تواند قربانی این حسادت و رقابت احمقانه و آزمندانه شود. در این میان، بدیهی است که در کوتاه‌مدت، صنایع آلاینده نفس راحت‌تری کشیده و میزان اشتغال بالاتر رود، اما تا کی چنین وضعیتی پایدار می‌ماند؟! کافی است نگاه کنیم به افزایش آمار مهاجرت مردم در بخش‌هایی از کشور خودمان که دچار تخریب روزافزون محیط‌زیستی و افزایش چشمه‌های تولید گرد و خاک در ارومیه، خوزستان، بختگان، میناب و جازموریان شده‌اند. کاش جامعه جهانی با کنارگذاشتن اختلاف‌های محلی، با اتحادی عملی در برابر جنایت‌های کاخ سفید متحدتر عمل می‌کرد! افسوس... .

گزارش

خرابی‌های یک نعمت

این روزها در اخبار استان‌های شمالی کشور صحنه‌هایی از رویدادهایی را می‌بینیم که بی‌شباهت به گزارش‌های خبری مربوط به توفان‌های کاترینا یا هاروی در ایالات متحده یا سونامی در اندونزی یا ژاپن نیست. بله، البته بلایای طبیعی در همه‌جای دنیا رخ می‌دهد، خسارت بر جا می‌گذارد و تلفات می‌گیرد؛ اما آیا واقعا درست است که نام یک بارش کمابیش متوسط باران، آن‌هم در باران‌خیزترین استان‌های کشور و بعد از سپری‌کردن دوره‌های طولانی و بی‌سابقه خشک‌سالی را «بلای طبیعی» بگذاریم؟ واقعا «باران که در لطافت طبعش خلاف نیست» بلای طبیعی است؟

واقعیت این است که حجم بارندگی به‌نسبت بازه زمانی بارش زیاد بوده است؛ بارشی که بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها در نقاط مختلف استان‌های گیلان و مازندران حدود صد تا ۲۰۰ یا حتی ۳۰۰ میلی‌متر در یک بازه زمانی ۲۴ساعته رخ داده است و می‌توان آن را بی‌سابقه یا کم‌سابقه دانست؛ اما آیا سابقه این قبیل اتفاقات در کشور ما فقط به این مورد بارش «بی‌سابقه» محدود می‌شود یا نگاهی به اخبار نیمه دوم سال گذشته یا سال پیش از آن، موارد متعدد سیل و آب‌گرفتگی و حوادث منجر به خسارت و تلفات شهروندان را با وقوع بارش‌های بسیار کمتر از این نیز در گوشه‌وکنار کشور نشان می‌دهد؟

سبزترین استان‌های کشور، قطعا با بارش سیل‌آسا بیگانه نیستند. طبیعتا اداره‌کنندگان کشور نیز با شرایط ویژه این استان‌ها آشنایی کامل دارند؛ استانداران، فرمانداران و شهرداران در گیلان و مازندران شرایط جوی محلی خود را به‌خوبی می‌شناسند. پیمانکارانی که قرار است پروژه‌های عمرانی را در این استان اجرا کنند، از مسائل خاص و استانداردهای احداث سازه‌ها در آب‌وهوای مرطوب آگاه‌اند و طراحان این پروژه‌ها نیز ضرایب مربوط به بارگذاری سازه‌ها و استانداردهای خاص را اعمال می‌کنند و ناظران هم این ضوابط را در طراحی و اجرا زیر نظر دارند. پس چه اتفاقی می‌افتد که باران فاجعه می‌شود؟ دراین‌باره می‌شود از انباشت سوءمدیریت و سهل‌انگاری در چند حوزه سخن به میان آورد؛ سوءمدیریت‌هایی که نبود هرکدامشان برای جلوگیری از بروز این همه خسارت و فاجعه کافی بود. در حوزه محیط زیست، سال‌هاست که کارشناسان درباره خطر قطع درختان جنگل در شیب کوه‌ها و تپه‌ها و جنگل‌زدایی هشدار می‌دهند از سوی دیگر سازه‌هایی را می‌بینیم که اولین اصول و ضوابط مهندسی در آنها رعایت نشده، جاده‌ها و پل‌هایی که به‌علت آب‌شستگی ویران می‌شوند، درصورتی‌که بدیهی‌ترین انتظاری که از یک پل می‌رود، این است که پایه‌هایش در یک مسیل فصلی یا رودخانه جریان‌هایی به‌مراتب شدیدتر از این را تاب بیاورد و در مقابل این سازه‌های «جدید و مهندسی‌ساز» به پل‌های باستانی خشتی چندصدساله برمی‌خوریم که به‌راحتی همین شرایط هیدرولوژیک را تحمل می‌کنند. ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و دریا نیز عامل مهم دیگری در ایجاد خطر است که همیشه ملاحظات اقتصادی باعث فراموشی و چشم‌بستن بر آن شده است. سرانجام، پیش‌بینی حادثه و هشدار به شهروندان پیش از وقوع حادثه و آمادگی و امدادرسانی به‌موقع برای زمان حادثه است که می‌توانست عامل نجات جان‌ها باشد و طبق معمول بهانه‌هایی مانند «غافلگیری» و «بی‌سابقه‌بودن» برای نبودش تراشیده می‌شود. باز هم باید فردفرد شهروندان را در بروز این «بلای طبیعی» مقصر بدانیم یا خود «طبیعت» را؟

پیشنهاد

شهر و کودک در خانه گفتمان شهر

خانه گفتمان شهر هم‌زمان با روز ملی کودک، نشست «شهر و کودک» را برگزار می‌کند. در این نشست محمدسعید ایزدی (معاون معماری و شهرسازی وزارت راه‌وشهرسازی)، الهام فخاری (عضو شورای شهر تهران و رئیس کمیته نظارت و پیگیری مصوبه شهر دوستدار کودک)، شهرام اقبال‌زاده (مترجم، نویسنده، ویراستار و منتقد ادبیات کودک و نوجوان)، پرویز پیران (جامعه‌شناس و استاد دانشگاه) و پرنیان کردشاکری (پژوهشگر حوزه شهر و کودک) سخن می‌گویند. هم‌زمان با نشست در حیاط خانه گفتمان شهر، تدارکاتی برای حضور و بازی کودکان با موضوع آموزش حقوق شهروندی با همکاری گروه «آشتی با شهرم» در نظر گرفته شده است. نشست «شهر و کودک»، دوشنبه، ۱۶ مهر، ساعت ۱۷:۳۰ در خانه گفتمان شهر (خانه وارطان)، به نشانی میدان فلسطین، خیابان طالقانی‌غربی، شماره ۵۱۴ برپا می‌شود.